دعوت رئیس پلیس تهران از اصناف برای عضویت در مرکز آلارم پایتخت

رئیس پلیس تهران با اشاره به آغاز به کار مرکز آلارم پلیس تهران گفت: تاکنون ۶۰۰ هزار صنف اعم از طلا فروشی‌ها، پاساژها و بانک‌ها به عضویت این مرکز در آمده‌اند سازوکار این مرکز به این صورت است که در صورت بروز کوچک‌ترین مشکل آلارم در مرکز به صدا در آمده و مأموران به سرعت اقدام خواهند کرد.

سردار حسین رحیمی روز گذشته با حضور در پلیس پیشگیری تهران به خبرنگاران گفت: اجرای طرح‌های امنیتی و پلیسی در سطح پایتخت دنبال خواهد شد. وی با اشاره به برگزاری عملیات رعد که شامگاه سه‌شنبه در سطح تمام کلانتری‌های تهران به اجرا درآمد، گفت: در جریان این عملیات علاوه بر شناسایی و دستگیری سارقان، مالخران، خرده‌فروشان مواد مخدر، زورگیران و سارقان خرده پا، ۹۹ دستگاه خودرو سرقتی کشف کردند و ۲۹۷ سارق و مالخر هم بازداشت شدند. همچنین ۱۲۴۰ قطعه انواع لوازم خودرو و ۲هزار و ۸۴۰ قلم انواع کالاهای سرقتی هم کشف شد.

رئیس پلیس تهران در توضیح بیشتر عملیات رعد گفت: مأموران پلیس در جریان این عملیات موفق به انهدام یک باند زورگیری سه نفره شدند. اعضای این باند اقدام به ضرب و جرح افراد برای زورگیری می کردند. از داخل خودرو زانتیا متهمان علاوه بر کشف حکم جعلی، یک دستگاه بی‌سیم و لباس مأموران پلیس نیز کشف شد و تحقیقات از متهمان این پرونده همچنان ادامه دارد.

■ فروش بی‌سیم به تبهکاران

سردار رحیمی همچنین از انهدام یک باند توزیع بی‌سیم در سطح شهر تهران خبر داد و گفت: مأموران پلیس پیشگیری موفق شدند در جریان عملیاتی دیگر باندی را شناسایی کرده و منهدم کنند که به صورت غیرقانونی اقدام به قاچاق بی‌سیم به داخل تهران می کردند. از مخفیگاه متهمان ۸۸۶ دستگاه بی‌سیم با برد بالا و متوسط کشف و ضبط شد که بررسی‌های پلیسی نشان می‌دهد اعضای این باند اقدام به فروش این دستگاه بی‌سیم‌ها به باندهای تبهکاری می کردند.

رئیس پلیس تهران درباره افزایش گشت‌های پلیس در سطح پایتخت هم گفت: نیازسنجی‌های لازم در این باره صورت گرفته و برخی مناطق شهرداری تهران که نیاز به افتتاح کلانتری هستند، شناسایی شده‌اند. محل ساخت کلانتری و پایگاه پلیس راهور در این مناطق جانمایی و تجهیز شده و در هفته نیروی انتظامی شاهد افتتاح آن خواهیم بود. وی ادامه داد: همزمان با آغاز سال تحصیلی و افزایش تردد خانواده‌ها برای خرید لوازم التحریر و همچنین حضور دانش‌آموزان در کلاس‌های درس و مدرسه گشت‌های موتوری و خودرویی تهران در سطح همه محله‌های تهران افزایش پیدا می کند.

■ دعوت برای عضویت در مرکز آلارم

رئیس پلیس تهران همچنین از آغاز به کار مرکز آلارم پلیس تهران بزرگ خبر داد و گفت: تاکنون ۶۰۰ هزار صنف اعم از طلافروشی‌ها، پاساژها و بانک‌ها به عضویت این مرکز در آمده‌اند سازوکار این مرکز به این صورت است که در صورت بروز کوچک‌ترین مشکل آلارم در مرکز به صدا درآمده و مأموران به سرعت اقدام خواهند کرد.

وی با اشاره به اینکه توقع ما بر آن است که بقیه اصناف نیز در این مرکز عضویت پیدا کنند، گفت: از نظر تجهیزات زیرساختی فعالیت‌های خوبی در این مرکز انجام شده و امیدواریم بقیه اصناف به عضویت این مرکز در بیایند.

■ کلانتری‌ها تقویت می‌شوند

سردار رحیمی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه تقویت کلانتری‌ها در دستور کار فرماندهی انتظامی تهران بزرگ است، ادامه داد: از نظر من هر کلانتری در محدوده حوزه استحفاظی خود یک ناجای کوچک است، باید سعی کنیم تمام اختیارات لازم را به کلانتری‌ها بدهیم، زیرا با اشرافی که مأموران کلانتری در محل خدمت خود دارند، می‌توانند امنیت را برای مردم همان محله به بهترین شکل ممکن به وجود بیاورند. فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به اینکه طرح‌های امنیت محله محور از این پس هر هفته و در همه مناطق و در مجموع سر کلانتری‌های پایتخت به اجرا درخواهد آمد، خاطرنشان کرد: برخورد با کیف‌قاپی، زورگیری، سرقت‌های خرد و برخورد با خرده‌فروشان مواد مخدر از اهم فعالیت این طرح در سطح کلانتری‌ها است.

سرقت مسلحانه از پست‌بانک یک روستا

فرمانده انتظامی شهرستان تنگستان از دستبرد سارقان مسلح به پست‌بانک یکی از روستاهای این شهرستان خبر داد.

سرهنگ جوشن سهرابی گفت: این حادثه ساعت ۱۰:۲۳ روز گذشته در روستای گاهی اتفاق افتاد که در جریان این حادثه دو سارق مسلح کارمند زن را تهدید کردند و ۴ میلیون تومان را به سرقت بردند و با یک دستگاه پژو ۴۰۵ از محل متواری شدند. وی با بیان اینکه در این بانک یک نفر کارمند زن فعالیت داشته است، گفت: خوشبختانه در این حادثه به کسی آسیب نرسیده است. سرهنگ سهرابی گفت: تحقیقات برای بازداشت عاملان حادثه در جریان است.

بازداشت قاتل فراری پس از ۳ سال

مردی که از سه‌سال قبل به اتهام قتل در شهرستان مهرستان استان سیستان و بلوچستان تحت تعقیب بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، دهم خردادماه سال ۹۳ بود که به مأموران پلیس شهرستان مهرستان خبر رسید، مردی ۲۳ ساله با شلیک گلوله کشته شده است. تحقیقات نشان داد که عامل حادثه مردی ۳۸ است که از محل متواری شده است. بعد از آن بود که تلاش برای بازداشت قاتل به جریان افتاد، اما مأموران موفق به بازداشت وی نشدند. در حالی که تحقیقات پلیس در جریان بود مأموران پلیس سرانجام آخرین مخفیگاه متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم گفت با انگیزه اختلاف خانوادگی مرتکب قتل شده است. سرهنگ اسماعیل منصوری، فرمانده انتظامی شهرستان مهرستان گفت: تحقیقات بیشتر در جریان است.

آگهی دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۵۵۱۰۴۰۰۱۰۹ شعبه ۱۱ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۳ شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۵۵۱۰۴۰۰۲۵۱ *خواهان: آقای علی صیادی فرزند عیسی به نشانی سیستان و بلوچستان، زاهدان، بلوار جمهوری بلوار امام علی سمت راست درب ششم * خوانده: آقای محمد گلستانی صالح به نشانی: مجهول المکان * خواسته: مطالبه وجه سفته به شماره‌های ۱۴۷۸۳۲(سری/پ) و ۱۴۷۸۳۳(سری/پ) و ۱۴۷۸۳۴(سری/پ)و ۱۴۷۸۳۵ (سری/پ) مورخ ۹۶/۴/۷ به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه‌های دادرسی و خسارات تاخیر تادیه * رأی شورا: در خصوص دعوی آقای علی صیادی فرزند عیسی به طرفیت آقای محمد گلستانی صالح به خواسته مطالبه بیست میلیون تومان بابت چهار فقره سفته به شماره‌های ۱۴۷۸۳۴(سری/ب) و ۱۴۷۸۳۵ (سری/ب) و۱۴۷۸۳۳(سری/ب) و ۱۴۷۸۳۲(سری/ب) به انضمام هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و ملاحظه فتوکپی مصدق مدارک استنادی و اظهارات خواهان در جلسه شورا نظر به اینکه خوانده علیرغم دعوت از طریق نشر آگهی در روزنامه در جلسه دادرسی حاضر نشده و ایراد و تکذیبی به عمل نیاورده و دلیل و مدرکی بر بطلان ادعای خواهان ارائه نکرده است لذا بنا به مراتب فوق شورا دادخواهی را وارد و موجه تشخیص داده و مستندا به مواد ۱۹۸ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ بیست میلیون تومان بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه براساس شاخص نرخ تورم که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود از تاریخ تقدیم دادخواست ۱۳۹۶/۴/۷ لغایت یوم الوصول در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی است و پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل واخواهی در این شورا و سپس ظرف همین مدت قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی زاهدان می‌باشد./

مالف: ۲۰۷۲ فرزانه رامرودی- قاضی شورای حل اختلاف شماره ۱۱ زاهدان

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت تعاونی مسکن ایثارگران پگاه رزم آوران به شماره ثبت ۱۷۶۰۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۸۳۶۳۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۴ و به استناد مجوز شماره ۹۵۲/۱۵/۳۹۵۱۰۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ اداره کل تعاون کاتر و رفاه اجتماعی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد : روزنامه کثیرالانتشار جوان جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. آقای یوسف مشاور به شماره ملی ۱۶۵۱۱۴۵۴۸۲ به عنوان بازرس اصلی و آقای سید رحمت الله رجایی به شماره ملی ۱۲۰۹۱۸۹۴۶۱ به عنوان بازرس علی البدل به مدت یکسال انتخاب گردیدند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۸۵۴۲۴) شناسه چاپ: ۹۷۵۵۹

آخرین دفاعیه شیشه‌ای‌ها از قتل طفل ۸ ماهه

پدر بنیتا، دختربچه هشت ماهه با نشان دادن پیراهن پاره‌اش که از روز حادثه آن را به یادگار نگه داشته بود، برای متهمان درخواست اشد مجازات کرد. محمد، مهدی، احسان و احمد همگی به مصرف شیشه اعتیادی شدید دارند، اما در آخرین دفاع خود، اتهام قتل را انکار کردند.

به گزارش خبرنگار ما، دومین جلسه رسیدگی به جرائم عاملان قتل بنیتا روز گذشته در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمدی کشکولی و مستشاران کیخواه و عباسی برگزار شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه، ریاست دادگاه در خصوص چهارمین متهم پرونده گفت: «این فرد یکی از افراد در صحنه سرقت بود که به اتفاق همدستانش در محل سرقت خودرو حضور داشت، اما از آنجایی که او همزمان با دیگر متهمان دستگیر نشده بود، تحقیقات او تکمیل نشده و پرونده در دادسرا در مرحله رسیدگی است و هنوز کیفرخواست در مورد وی صادر نشده است به همین دلیل این فرد به‌عنوان مطلع در دادگاه حاضر شده است.» سپس ریاست دادگاه از او خواست تا در جایگاه حاضر شود و بعد از معرفی خود هر آنچه را که در رابطه با روز حادثه می‌داند شرح دهد.

■ در این مدت در کمپ بودم

مطلع در جایگاه حاضر شد و گفت: «احمد. د هستم و شغلم رانندگی است. به اتهام نگهداری مصرف ۵ گرم شیشه به پنج سال حبس در زندان محکوم شدم. مدتی قبل به مواد اعتیاد داشتم، اما به‌خاطر قولی که به خانواده‌ام داده بودم، در کمپ بستری شدم تا اینکه دیروز به خواهرم زنگ زدم و گفتم که ترک کرده‌ام. خواهرم در جواب گفت مأمورها دنبالم هستند. آنجا بود که خودم را معرفی کردم.»

او در شرح روز حادثه گفت: «من و مهدی با هم در زندان بودیم و زودتر از او آزاد شدم. او شب حادثه تماس گرفت و خواست برای تهیه جنس نزد محمد برویم. ساعت ۵ صبح در میدان آقانور قرار گذاشتیم و نزد محمد رفتیم. ساعت ۹ صبح همان روز من از آنها جدا شدم و به آرایشگاه رفتم. کارم در آرایشگاه تمام شده بود و داشتم خارج می‌شدم که مهدی تماس گرفت و با پیک موتوری آمد. ۳ هزار تومان پول گرفت و کرایه پیک را حساب کرد و بعد سوار ماشین من شد تا او را تا میدان قیامدشت برسانم. بین راه مهدی تلفنی با محمد صحبت می کرد. وقتی سؤال کردم، گفت محمد ماشینی را سرقت کرده است. بعد از رساندن مهدی او از ماشین پیاده شد و دیگر او را ندیدم.» در ادامه هیئت قضایی از مطلع سؤالاتی عنوان کرد و او به آنها پاسخ داد.

قاضی: چرا اظهارات شما با اظهارات مهدی تناقض دارد؟

مطلع: همه حقیقت را گفتم. از زمانی که مهدی را پیاده کردم، دیگر از او اطلاعی نداشتم.

قاضی: چرا وقتی متوجه شدید بچه در ماشین سرقتی بود، کمکی نکردید؟

مطلع: باور کنید نه ماشین را دیدم نه بچه را. روحم از این ماجرا خبر نداشت.

■ نحوه تعقیب متهمان از زبان سرهنگ فلاح

قاضی کشکولی در ادامه از سرهنگ فلاح، جانشین پایگاه ۱۱ پلیس آگاهی تهران خواست که به عنوان مطلع در خصوص نحوه تعقیب متهمان توضیح دهد.

سرهنگ فلاح در این خصوص گفت: «در تاریخ بیست و نهم تیرماه به محض دریافت خبر سرقت بلافاصله تیمی از مأموران پلیس به محل سرقت اعزام شدند. با توجه به حساسیت پرونده از همه توان و امکانات برای شناسایی و دستگیری سارقان استفاده کردیم.»

وی در ادامه گفت: «با توجه به کیفیت نامطلوب دوربین در مسیر سرقت، اما با بررسی فیلم هویت متهم برای ما مشخص شد و اقدامات لازم برای دستگیری او انجام گرفت. بعد از دستگیری متهم، پس از شناسایی خودرو، مأموران به محل اعزام شدند که مشاهده شد، خودرو زیر درختی کنار یک ساختمان در حالی که درهای ماشین کاملاً بسته و شیشه‌های آن بالا بود، پارک شده است.» سرهنگ فلاح در پاسخ به قاضی مستشار دادگاه مبنی بر اینکه، بنا به گزارشات مأمور راهور خودروی سرقتی را هنگام تردد دیده است. چرا اقدامی نشده بود، گفت: «مأمور راهور موضوع را گزارش می‌دهد که ۱۰ دقیقه قبل از اعلام سرقت خودرو از سوی پلیس بود، اما مأمور راهور خودرو تعقیب را ادامه می‌دهد و برای اینکه سارق حساس نشود با کمی فاصله از آن حرکت می کرد، اما متهم در دو راهی قیامدشت به سمت تهران باز می گردد.» پس از پاسخ این سؤال قاضی مستشار از سرهنگ فلاح پرسید: «باتوجه به اینکه خودرو مدت طولانی در کنار جاده پارک بوده است، اما از سوی مأموران شناسایی نشده است» گفت: «متأسفانه محل پارک خودرو محل پرترددی نبود. در آن محل خودروها با سرعت بالا حرکت می کنند. به همین دلیل احتمال اینکه کسی به خودرو مشکوک شده باشد، کم است. حتی اگر رهگذری هم عبور می کرد، به خاطر کثیف بودن خودرو متوجه طفل نمی‌شد.»

■ حرف‌های احسان، سومین متهم پرونده

در ادامه قاضی محمدی کشکولی در خصوص احسان. ح، سومین متهم بیان کرد: «محمد پس از اینکه خودرو را با طفل رها می کند، احسان او را با پراید سفید رنگی که متعلق به پدرش بود همراه با کیسه پلاستیکی سفید رنگ سوار کرده و او را به خانه‌اش می‌برد. پرونده احسان به اتهام خرید و فروش مواد مخدر، تحصیل مال مسروقه در دادگاه کیفری دو انقلاب در حال رسیدگی است و در این دادگاه به عنوان مطلع در جایگاه حاضر شده است.» سپس متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: «روز پنج‌شنبه ساعت ۱۲ ظهر بود که محمد تماس گرفت و خواست در محدوده خیابان استخر دنبالش بروم. به آنجا که رسیدم، خیابان را دور زدم. او از شیشه خودروی سرقتی دستی تکان داد و کمی جلوتر رفتم و ایستادم. محمد با کیسه سفید سوار خودرو شد. داخل کیسه یک کارت هدیه و تی‌شرت بود. بین راه کارت هدیه را باز کردم و از عابر ۹۹ و ۸۰۰ تومان برداشتم. یک گرم شیشه به محمد دادم و به ازای آن ۵۰ هزار تومان برداشتم و مابقی را به محمد برگرداندم. بعد از آن با محمد به خانه‌مان رفتیم و بعد از کشیدن مواد، او حوالی غروب آفتاب خانه ما را ترک کرد.» متهم در آخر گفت: «از آن روز از محمد بی‌خبر بودم تا اینکه از زن صیغه‌ای او متوجه شدم دستگیر شده است.»

■ دفاعیات وکیل متهم ردیف اول

در ادامه، وکیل محمد، متهم ردیف اول بعد از عرض تسلیت به خانواده اولیای دم در دفاع از موکل خود –متهم ردیف اول – گفت: «به استناد بند پ ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری درموضوع قتل عمد، موکلم قصدش سرقت بوده و طبق اظهاراتش ماشین جای پرترددی پارک شده بود تا خودرو کشف شود و طفل نجات یابد که متأسفانه این اتفاق نیفتاد.» پس از آن وکیل متهم ردیف اول در جایگاه ایستاد و در دفاع از موکلش گفت: «سابقه سرقت، مصرف مواد مخدر و ترس از دستگیری همه عواملی بودند که باعث شد موکلم کودک را به نیروی انتظامی تحول ندهد و او خودرو را جایی گذاشته بود تا شناسایی شود و جان طفل نجات یابد. بنابراین متهم خودرو را در محل تردد و محل برگزاری پنج‌شنبه بازار پارک کرده بود که آن محل بین دو استخر واقع شده و محلی برای فروش لباس و میوه بوده است.» او در ادامه گفت: «بنا به گزارشات، خودرو زیر سایه بدون بنزین و با دریچه باز کولر بوده و اینها نشان می‌دهد که وی قصد داشته جان کودک به خطر نیفتد.»

■ دفاعیات وکیل مدافع متهم ردیف دوم

در ادامه وکیل مهدی، متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد و گفت: «پس از صدور قرار منع تعقیب توسط بازپرس در خصوص اتهام موکلم، در خصوص معاونت در سرقت باید بگویم، او به نوعی در عمل انجام‌شده قرار گرفته است.» وی گفت: «موکلم به خاطر اعتیاد به مواد مخدر با محمد ارتباط داشت و گرنه اصلاً امروز اینجا حاضر نمی‌شد.» او در خصوص اتهام کمک نکردن به فرد نیازمند گفت: «در این خصوص باید به اعتیاد او به شیشه اشاره کنم.

■ اظهارات نماینده دادستان در خصوص ایرادات وارده به کیفرخواست

قاضی شهریاری در پاسخ به ایراد وارده مبنی بر اینکه چرا متهم با اینکه سابقه سرقت دارد، اما حین وقوع سرقت آزاد بوده است، گفت: «آخرین سابقه سرقت متهم مربوط به سال ۹۵ است. او ۱۴ ماه بازداشت بوده که بیشتر از مهلت قانونی بوده است و نهایتاً با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی آزاد می‌شود.» او در خصوص امضا شدن قرار منع تعقیب توسط اولیای‌دم گفت: «بازپرس قرار منع تعقیب را برای اولیای دم ابلاغ کرده است و آنها آن را امضا کرده‌اند.» قاضی شهریاری در خصوص زمان و نحوه دستگیری احمد گفت: «حکم دستگیری از قبل صادر شده بود و حکم دستگیری مربوط به روز دوشنبه نبوده است. متهم در حال حاضر به عنوان مطلع در دادگاه حاضر شده و پرونده اتهامی وی در حال حاضر در دادسرا مفتوح است.»

■ دفاعیات وکیل اولیای‌دم

پس از اظهارات قاضی شهریاری، وکیل اولیای‌دم در جایگاه قرار گرفت و بعد از اعتراض به اظهارات قاضی شهریاری در خصوص قرائت کیفرخواست گفت: «متهمان اول و دوم با فریاد والدین از حضور کودک در خودرو مطلع شده بودند. محمد برای جلوگیری از تلاش پدر مقتول او را حدود ۵۰ متر روی زمین می کشد که در واقع اقدام او شروع به قتل بوده است.» کوشا در پایان گفت: «آمده‌ایم حق این کودک را بگیریم حتی اگر والدین قرار منع تعقیب را امضا کرده باشند.» سپس پدر بنیتا در جایگاه قرار گرفت و لباس‌های پاره‌شده روز حادثه را به دادگاه نشان داد و برای متهمان درخواست اشد مجازات کرد.

■ آخرین دفاع متهم ردیف اول

در ادامه جلسه، متهم ردیف اول در آخرین دفاعش گفت: «قصد سرقت خودرو را نداشتم. مهدی از من خواست سوار خودرو شوم. او با انکار قتل‌عمد ادامه داد قصد سرقت نداشتم و جرئت آدم‌کشی هم ندارم.» او در ادامه گفت: «اگر سرقت ضبط خودرو را قبول کردم به خاطر دوتا بچه‌های مهدی بود.»

■ آخرین دفاع متهم ردیف دوم

سپس متهم ردیف دوم نیز در دفاع از خود گفت: «باور کنید اگر دخالت کردم به خاطر نجات جان طفل بود. از این بیشتر بلد نبودم تا کمک کنم.» او رو به خانواده بنیتا گفت: «از ترس مأموران نتوانستم کودک را تحویل دهم، اما تلاش کردم حداقل قاتل بچه را به شما تحول دهم.» در ادامه متهم ردیف دوم بعد از مواجهه حضوری با احمد به خاطر تناقضات در اظهاراتشان بنا به دستور ریاست دادگاه گفت: «قصدم فقط کمک بود. نمی‌دانم چرا دوستانم پشتم را خالی کردند. من کارگر شهرداری‌ام و شبی سه هزار آشغال می‌برم. مواد می کشیدم اما دنبال دزدی نبودم. با این اتفاق مادرم سکته کرده و زنم درخواست طلاق داده است. پدرم هم دیگر به مغازه نمی‌رود. آقای قاضی من فقط بند کیف را برداشتم و هیچ چیزی سرقت نکرده‌ام.»

در پایان ریاست دادگاه ختم جلسه را اعلام کرد و گفت: «بعد از شور، یک‌شنبه هفته آینده رأی صادر خواهد شد.»

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران:

اظهارات والدین بنیتا دروغ است

قاضی محمد شهریاری نماینده دادستان تهران در جلسه محاکمه عاملان قتل بنیتا درباره اظهارنظر پدر و مادر بنیتا که مدعی بودند آنها از قرار منع تعقیب متهم ردیف دوم پرونده بی‌خبر بوده و این موضوع از سوی دادسرای امور جنایی به آنها ابلاغ نشده است، گفت: برخلاف اظهار نظر پدر و مادر بنیتا که مدعی هستند در جریان منع تعقیب متهم ردیف دوم نبوده‌اند، این موضوع به آنها ابلاغ شده است.

قاضی شهریاری با اشاره به اینکه اظهارات آنها فاقد ارزش قضایی است، گفت: این خانواده در فضایی احساسی و تحت‌تأثیر القائات دیگران به دروغ گفته‌اند که این موضوع به آنها ابلاغ نشده است. این در حالی است که دستخطی از پدر و مادر بنیتا در پرونده وجود دارد که به خط خود نوشته‌اند نسبت به قرار منع تعقیب متهم ردیف دوم از اتهام قتل، اعتراضی ندارند.

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران افزود: برخلاف آنکه این افراد ادعا کرده‌اند من از آنها امضایی گرفته‌ام و برگه‌های منع تعقیب را من به آنها داده‌ام باید بگویم که آخرین دیدار من با مادر و پدر بنیتا در تاریخ ۱۲ مرداد بوده در حالی که قرار منع تعقیب ۱۴ مرداد صادر شده است.

نماینده دادستان ادامه داد: فارغ از اینکه ابلاغ چنین احکامی به شاکی از وظایف نماینده دادستان یا سرپرست مجتمع نبوده است باید بگویم که بازپرس پرونده این موضوع را به آنها ابلاغ کرده و از آنها دستخط گرفته است.

قاضی شهریاری در پایان گفت: به خانواده بنیتا توصیه می کنیم که چنین جنجال‌آفرینی‌ها و هیاهوها کمکی به آنها نمی کند و باید بدانند که چنین اظهاراتی می‌تواند موجب تعقیب قضایی آنها شود.

جزئیات جدید پرونده قتل پدرخوانده

پس از انتشار گزارش پزشکی قانونی درباره علت مرگ پدرخوانده حمید صفت که اصابت جسم سخت را علت فوت اعلام کرده بود، این خواننده زیرزمینی روز گذشته از زندان به دادسرای امور جنایی منتقل شد و بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت. قاضی محمدشهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی به خبرنگار ما گفت تحقیقات درباره پرونده همچنان در جریان است.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز حمید صفت خواننده رپ زیرزمینی که روز بیست و هشتم مردادماه امسال به اتهام قتل پدرخوانده‌اش بازداشت شده بود، برای ادامه بازجویی از زندان رجایی شهر کرج به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. متهم در بازجویی‌ها قبلی به درگیری با پدر خوانده‌اش اعتراف کرده بود که سه روز قبل از فوت به خاطر اینکه هوشنگ مادرش را کتک زده بود با او درگیر شده و او را با دست کتک زده است. حمید در همان نخستین بازجویی‌ها قبول کرده‌بود که روز حادثه عصبانی شده اما ضربه‌ای به سر پدرخوانده‌اش نزده و قتل را قبول ندارد. دو روز قبل پزشکی قانونی علت اصلی مرگ پدر خوانده حمید صفت را اصابت جسم سخت به آهیانه سمت راست و آسیب دیدن مغز اعلام کرد و بدین ترتیب صبح دیروز متهم پس از مشخص شدن علت اصلی مرگ، در حالی که یکی از پسران مقتول به نام سهیل در جلسه حضور داشت در دادسرای امور جنایی مورد بازجویی قرار گرفت. سهیل در جلسه بازجویی برای متهم درخواست قصاص داد و از مادر حمید صفت هم به اتهام همدستی در فوت پدرش شکایت کرد.

سپس حمید صفت با انکار قتل پدر خوانده در دفاع از خود گفت: من درگیری با پدر خواندهام را قبول دارم، اما در آن درگیری فقط دو ضربه با کف دست به گونه و بالا ابروی هوشنگ زدم و اصلاً ضربه‌ای به سرش حتی با دست نزدم و الان در حیرتم که پزشکی قانونی علت اصلی مرگ را ضربه جسم سخت به سر هوشنگ اعلام کرده‌است. زمان درگیری مادرم بین من و پدر خواندهام قرار داشت و مانع درگیری ما شد و حتی بعد از درگیری هوشنگ حالش خوب بود و وقتی ما خانه را ترک کردیم همسایه‌ها خانه ما بودند. لحظه حادثه متأسفانه من عصبانی شدم و مقداری از لوازم خانه را به هم ریختم تا عصبانیتم فروکش کرد و بعد از آن دو ضربه فقط با کف دست زدم. وی افزود: طبق تحقیقات پلیس هوشنگ قبل از فوتش در بیمارستان گفته بود که با من درگیر شده و من او را با دست کتک زده‌ام. او در تحقیقات اصلاً از جسم سخت حرفی نزده بود و این گواهی می‌دهد که من اصلاً پدر خواندهام را با جسم سخت نزده‌ام.

حمید در ادامه مدعی شد که احتمال می‌دهد یکی از آشنایان پدرخوانده‌اش در این حادثه فوت دست داشته باشد. وی گفت: یکی از آشناها که مبلغ زیادی هم به پدر خواندهام بدهکار است از روز اول حادثه آتش بیار معرکه شده است. روز حادثه مادرم با همین مرد آشنا تماس گرفته بود که او به دروغ گفته بود داخل اتوبان در حال رانندگی است، در صورتی که همان لحظه یکی از همسایه‌ها تلفنی به مادرم خبر داده بود که مرد آشنا به خانه آنها آمده و با هوشنگ در حال حرف زدن است.

از طرفی او به دوستان پدرم گفته بود که من با مشت و لگد فک و صورت پدر خواندهام را شکسته‌ام، در صورتی که حرف‌های او طبق نظریه پزشکی قانونی دروغ است و من نمی‌دانم چرا این مرد دروغ می گوید. من احتمال می‌دهم پدر خواندهام هنگام وضو گرفتن تعادلش را از دست داده و سرش به جایی برخورده کرده یا اینکه این مرد آشنا در این حادثه دست داشته است.

حمید در ادامه گفت: رابطه من و هوشنگ رابطه صمیمی و پدری بود به طوریکه حتی یک نفر از دوستان صمیمی‌ام خبر نداشتند که هوشنگ پدر خواندهام است و همه به خاطر رابطه صمیمی ما فکر می کردند، پدر واقعی من است. مادر حمید هم در جلسه بازجویی گفت: روز حادثه من شاهد اصلی حادثه بودم. لحظه درگیری من بین پسر و شوهرم قرار داشتم و با قامت بلندی که دارم، توانستم مانع درگیری آنها شوم. آن روز فقط حمید با دست دو ضربه به صورت شوهرم زد. وی ادامه داد: رابطه حمید و شوهرم خیلی خوب بود به طوریکه زمان درگیری از من خواست داد و فریاد نکنم و همسایه‌ها خبردار نشوند، اما من همسایه‌ها را خبر دار کردم. متهم پس از بازجویی به دستور قاضی سجاد منافی آذر، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران روانه زندان شد. متهم به زودی به دستور بازپرس صحنه حادثه را بازسازی می کند.

قاضی محمدشهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی به خبرنگار ما گفت: یکی از اولیای دم درخواست خود را مبنی بر قصاص مطرح کرده‌اند و تحقیقات درباره پرونده همچنان در جریان است.

باشگاه حقوقی

صغیرممیز

نوزاد تا مدتی توانایی تشخیص سود و زیان را ندارد و معنی اعمال حقوقی را درک نمی کند، در این مرحله طفل از نظر طبیعی قدرت انجام معامله را ندارد. به این طفل صغیر غیر ممیز گفته می‌شود. ولی پس از این مرحله زمانی فرامی‌رسد که صغیر معنی عقد قرارداد را درک می کند و نفع و ضرر را از هم تشخیص می‌دهد، منتها چون هنوز قادر نیست که به تنهایی اموال خود را اداره کند و ترس آن می‌رود که به دلیل بی‌تجربگی دارایی‌اش را از دست بدهد، قانون او را از انجام دادن معامله منع کرده است. بنابراین صغیر ممیز قدرت تشخیص دارد، ولی قانونگذار لازم دیده که تا مدتی از او حمایت کند.

صغیر ممیز در بعضی از قراردادها می‌تواند به طور مستقل یا با اجازه ولی خود شرکت کند. مثلاً صغیر ممیز می‌تواند مالی را که به طور رایگان به او داده شود و هیچگونه تعهدی را برایش به بار نمی‌آورد، قبول کند؛ مانند قبول هدیه و صلح بلاعوض. ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که لازم بداند، به صغیر اجازه اشتغال بدهد و در این صورت این اجازه شامل لوازم آن کار یا پیشه نیز می‌شود. همچنین صغیر ممیز می‌تواند اموالی را که با تلاش خود به دست آورده است را با اجازه ولی یا قیم اداره کند.